

فرضیه ششم : حصول به سلطان معرفت ممکن است

Sixth Hypothesis: Achieving the King of Knowledge is possible



Mahmoud saneipour

جنین عرفان شهودی و رشد آن در انکوباتور معرفت ملهم از علم حضوری است

The fetus of Intuitive mysticism and its growth is in the incubator of knowledge inspired by the science of presence

این اولین دریافت از ژرفای وجود که انسان است که باید از علم معرفت و ملهم از علم حضوری خود تعلیم بگیرد و در این فلسفه استعلائی معرفت خود را بازشناسی کند و اگر شخصی به این فهم دست یابد ، می تواند بسوی انسان کامل رهیافتی پیدا کند ، اگر چه معنی کاملیت ، تمامیت و جامعیت انسان در روی کره زمین به غایت نمیرسد و محتاج ورود انسان به وادی حیات جاویدان و ادامه تکامل بسوی بی نهایت است و بی نهایت بر کرانه نه مکانی دارد و نه زمانی که خود را در آن محدود آنگاری ، این سخن حکیم ماست که در فرضیه های پیشین آمده است (از یک تا 5) و بنیانی است که هم اکنون دانش آن در دانشگاه های جهان جاری نیست ، نیازی هم ندارد، این دانشگاه در علم النفس خودت است ، بسیاری از علوم مورد نیاز انسان در دنیا کشف نشده است!.

This is the first perception of the depths of human existence that should learn from your face science from the science of wisdom and recognize in this transcendental

philosophy itself wisdom and if one achieves this understanding, he/she can find a suitable toward perfect human approach.....This is our wise saying that has come in previous hypothesizes (1 to 5) And is that not current in world's universities' yet, No neither need, This university is in inner science ,many necessary sciences undiscovered in the world.

اگر کسی بخواهد از تله این نهفتگی ها نجات یابد ، باید به ماورای حجاب تن به حقایق ناب دست بیابد ، حکیم ما نمی خواهد قبل اینکه به معلومات علمی بررسی ، به آزمون و ارزیابی انطباقی آن پردازای ، قبل از آن باید دستور العملی داشته باشی که خطا محتمل را بشناسی ، یعنی بلحاظ وجدان شهود عقلی را دریابی که کاری سهل و ممتنع است که بخودت مربوط است و از طریق خودت حل و فصل میشود ، با مثرهای زمینی و فیزیکی قابل اندازه گیری نیست و قابل قیاس نمیباشد ، این چنین برداشتی را اسپینوزا (Spinoza) نظیر دکارت (Descartes) و کانت (Kant) بیان کرده و اسپینوزا میگوید " معرفت شهودی ، عالی ترین صدور آگاهی دل به انسان است " (مدرک: اسپینوزا، رساله در اصلاح قوه مدرکه، بند ۲۰، ص ۲۴)، هوسرل (Edmund Husserl) هم گفت: " مهمترین راه برای توصیف شهود آنها هستند که با دلایل وجدانی شناخته شوند" (مدرک: ارتباط وجود معنا و مدلول از هوسرل) ، یعنی وجدان منبع دانشی است حاضر و آماده و بداهت و بدیعی بوده و یافته علم حضوری را بدون معطلی تائید یا رد میکند.

If anyone wants to escape from these traps of this latency, he must reach the pure truths beyond the veil of the body; our sage does not want before you get to the scientific information and test and adaptively evaluate it, you must have instructions beforehand that recognize possible errors, It means finding that you know In terms of logical Intuition that is easy yet difficult to imitate that It's up to you and It is resolved through you..... He has expressed such an impression like Spinoza, Descartes, Kant, and Edmund Husserl they said: they are the most important way to describe their intuition that be known for conscientious reasons.

با شک در حقایق علم دنبال کهر با نگرید ، این یک موضوع غیز فیزیکی است که از ماورالطبیعت به شما خبر میدهد و نیازمند به تقوا است که با چنین خلوصی ، پنجره ها بسوی شما باز می شود و یقین حاصل میگردد و انسان درک میکند راه های مطمئنی را برای تکامل خود یافته است و حجاب بین او و خدا و معارف الهی برداشته شده است ، دیدن و بصیرت قلبی و کشف و شهود از طریق متافیزیک انسانی بالغ از 1000 عامل معرفتی است که حکیم ما تدوین کرده است ، امر ساده ای نیست که کسی شب بخوابد و صبح مناظر پشت پرده را ببیند ، حداقل عامل های الهامی است که یک نفر خلّاق به آنها دست می یابد و حتی میتواند آنها به نرم فیزیکی تبدیل کند و از متافیزیک خود به راه حل های فیزیکی راه یابد ، این کاری بوده که ابوعلی سینا (Abu Ali Sina) در تمام عمر خود انجام داده و به دانشمندان میان رشته ای تبدیل شده است

وشرعش با عقل برهانی دلیل نما (according to the Shia view of reason and religion) است و حکیم ما در چهلچراغ هدایت این شیوه را بیان کرده است ، اساس علوم از متافیزیک آغاز میشود و علم یک فهم متافیزیکی که در فیزیک به فناوری تبدیل میشود ، مبدل های فیزیک به فیزیک از مهندسی تقلید رهیافت پیدا میکند که عرض را توسعه میکند نه طول را .

Do not look for amber with doubt in the facts of science; this is a very physical issue that informs you of the supernatural and it requires piety that with such purity, the windows open towards you and certainty is obtained and man understands that he/she finds many assured ways for its evolution and curtain has been removed between him and God and divine knowledge..... That was it that Abu Ali Sina done in his whole life according to the Shia view of reason and religion.

این حضور فلسفه استعلائی ، حضور صاحب خود را در جهان به نحو شایسته ای آشکار میکند که توصیفی از تبیین شکرگزاری است که ریشه کلام در آشکار سازی این قوه و استعداد الهی است بطوریکه شخص موفق به دریافت این عطیه شده و به شخص خیر خواه ناب تبدیل میشود ، برای اینکه این راه هدایت جزء به تجلیگاه خیر بجائی دیگری میل حضور ندارد ، شخص در این سیر و سلوک به درک حقیقت نائل شده و **علمی واجبه را دریافت کرده است ، علم واجب همان علم مفید (Obligatory science is the same as useful science)** است که در لفافه ها و حجاب شرّ در سراسر دنیا وجود دارد ، حکیم ما می گوید: **که نیکی و مفیدیت در سراسر جهان پر است ، ولی رویت آن در استعداد هرکسی نیست** ، اول باید مستعد شد و سپس به دیداریار شتافت ، وقتی این بارعام انجام شد ، شخص مستعد شده ظرفیت دریافت این علم را پیدا میکند و اینک دائماً در شرف حضور اقامت می گزیند ، و وابسته باین علم و معرفت شده و ماسوی آن را بدور می اندازد ، بدجنسی و شهوت پرستی و هر گونه فساد طلبی و چپاول گری از او کنده شده و شخص به اخلاص میرسد و چنین نظام علیّی موجبات خلاص شدن از شرّ شیطان را به مخلص میدهد ، **این استعداد می تواند در ماهیت و ساختار یک حکومت مستعد ، ظرفیت سازی گردد و ساختمان فساد ساختار یافته را درهم بشکند.**

This is the presence of transcendental philosophy, properly reveals the presence of its owner in the world that it is a description of the explanation of thanksgiving, that is the root of the word is in revelation of this divine power and talent, So that the person has succeeded in receiving this gift and changes to benevolent and pure person, because this guide way the desire for the manifestation of good is not present anywhere else, **one has come to understand the truth in this spiritual journey and has received the obligatory science, Obligatory science is the**

same as useful science ,The sage tells us: **Which is full of goodness and usefulness all over the world but not everyone can see it.....** When this was done publicly, the gifted person finds the capacity to receive this knowledge quickly..... **This talent can predispose the nature and structure of a government, Build capacity and break the structure of structured corruption.**

کشوری که از فساد ساختار یافته خلاصی یافت ، استعداد ذاتی پیدا میکند که رتبه های بین المللی خود را ارتقاء داده وبه شاهراه های توسعه جهانی راه یابد ، در چنین حالتی است که سرمایه انسانی (**human capital**) تشکیل میشود وگرنه ، سخن گفتن از سرمایه انسانی ، یک لفظ بیشتر نیست !، این سرمایه از شخص شروع شده وبه جامعه تسری می یابد ولذا شخص باید منتظر کسی نباشد ، حتی دولت که در این مورد مکلف به انجام حقوقی است ، ولی شخص خواهان نجات از فساد جسمانی وروحي ، فرصت را از دست نداده وخودرا مستعد کرده تا این ظرفیت را در خود ایجاد کند ونیازی به شخص دیگری ندارد، استعداد خدادادی در اقیانوس علم حضوری او نهفته است ، کشتی وجودت را راهی اقیانوس درونت کن وبانسیم این اقیانوس ، بادبان های کشتی ات به سوی همان بارگاه بار عام ترا میرساند، تنها نیستی ، وقتی پرده برداشته شد ، چیزهایی را رویت میکنی که دیگر تنها نیستی .

A country that got rid of structured corruption, Finds innate talent that Upgrade its international grades and Find a way on the highway developed power supply, it is in such a state that it is formed human capital and otherwise, talking about human capital, it is just a word!, this capital starts from the person and spreads to the society and therefore, one should not wait for anyone..... God-given talent lies in the ocean of his presence, Take the ship of existence to the ocean and with the breeze of this ocean, the your ship's mainsail delivered you the same public portal, You Are Not Alone, When the curtain was removed, You see things that you are no longer alone.

انسان برای این خلق شده است که در کل هستی حضور داشته باشد ، آنقدر که انسان آسمانی است ، زمینی نیست ، چند روزی است برای ادای تکلیف وبقیه در هستی جاویدان ، درغیراین صورت ، با انسان ناامید روبرو هستیم ودرمانده در تله زمین ، این اصل آزادی وسرفرازی است ، خودت را ارزان نفروش که خدا برای تو قیمت بزرگی قائل شده است وظرفیت بزرگی بتو عطاء کرده است ، بقول ابو علی سینا انسان شالوده مثلث" عقل ، عاقل ، معقول " وبقول عارفان ومثالیهین این قاعده زمانی رخ خواهد که انسان به قله اتحاد "علم ، عالم ، معلوم " دست یابد ، هر انسان یک اتحاد جهانی است وباید این اتحاد را از خودش آغاز کند ، میتواند چند روزی با جمع آوری ارز وطلا، مرکزیت پیدا کند ونام سلطان را روی

خودش بگذارد ، ولی آنهایکه هم در بین مردم شرف دارند وهم خیر خواه ملت ها هستند وهم به آقایی زندگی کردند وخوشبخت در دنیا وآخرت بودند ، از سلاطین معرفت بودند .

Man was created for this that is present in the whole universe, as much as man is heavenly, he is not earthly, As much as man is heavenly and the rest are in eternal existence..... Every human being is a global union and he must start this alliance from himself, it can be centralized for a few days by collecting currency and gold and Put the name of the king on himself, but those who also have honor among the people and Nations are also benevolent and they also lived with a gentleman were happy in this world and the hereafter, they the kings of wisdom.

این مقام دست یافتنی است بشرطی که اراده کنی وبخواهی آغازش به یقینیت برسانی واز تله دنیا پرستی نجات بیابی، که فراتر از اداراکات حسی ونرم افزارهای فیزیکی است وافاضه ای است که به انسان در حال تکامل داده میشود ، درچنین سیرو سلوکی ، علم حصولی انسان به درگاه علم حضوری راه می یابد وغنی سازی میشود ، اشتباهات علم حصولی وانچه را یاد گرفتی به علم حضوری تقدیم کرده که ممیزی شود ، از تراریختگی رها شده وخالص شود ، اشتباهات آن گرفته شده واز ماهیتی کامل برخوردار گردد ، هر روز مطلب تازه ای فهم میکنی که در حیطه علم تحصیلی ات نبوده است ، استادی که دیروز بتو درس داده است ، امروز خودرا لایق شاگرد بودن در علم حضوری ات نمیداند ، حکیم بارها این ثمره حکمت را به رای العین دیده است ، دکارت وکانت وامثال آنان نیز از همین مسیر به نتیجه رسیدند ودر لیست سلاطین معرفت قرارگرفتند ،کشورها وملت ها با این سلاطین که سرمایه انسانی تولید میکنند ، اگر کاخ نشین شوند ، با آنها سر جنگ ندارند وآنها حق آنها میدانند به داستان کنت مونت کریستو بنگرید:

This position is achievable if you will and you want to make sure of its beginning and be saved from the trap of worldliness which is beyond sensory perceptions and physical softwares and it is a gift that is given to evolving human beings..... a phosphor who has reached you yesterday, he does not consider himself worthy today, Wiseman has seen this fruit of wisdom many times, Descartes, Kant and other came to the conclusion from this way and they were included in the list of kings of knowledge, the countries and nations by these kings who created human capital if they stay in the palace, they will not be at war with them and they know it is their right, see to the count Monte-Cristo:

ادموند دانتس (Edmond Dantès) یا همان کنت مونت-کریستو (Le Comte de Monte-Cristo) اثر الکساندر دوما (Alexandre Dumas, pare) از حد همه قوانین انسانی و طبیعی در روی زمین فراتر می‌رود و مانند تقدیر، بی‌رحم و تزلزل‌ناپذیر و مقدرات الهی نقش آفرینی میکند این کتاب به سبب فراوانی ابداعات عجیب و غریبش و به لطف صفا و صداقت بیانش، یک اثر جاویدان است. عجیب‌ترین ماجراها از حقایق هستی در این اثر نقل می‌شود با ثروتی نا محدود و از نظر حکیم متاله واقعیت نمای همان حقیقت است، **دانش فروهشته حصولی در بستر فیزیک حسی قادر به فهم این معجزه نیست، ابداعات و خلاقیت های عجیب از علوم حصولی نشئات نگرفته است**، شهرت کم‌نظیر ادموند دانتس (سال ۱۸۴۸)، که به سلطان دل‌ها لقب گرفته ثروتی بدست آورد که فقط خدا با رحمت و بخشش خدایش به شخصیتی خیر خواه و حقیقت نما که دنبال ایفای حقوق مردم است، عنایت کرده است و هستی برای این معجزه گری انسان، جای تنگی نیست و بی کرانه است، از نمونه های زنده امروز دنیا بیل گیتس (William Henry "Bill" Gates III) جوان بود که ایده بزرگ او در تنگنای دانشگاه جای نمی گرفت، دانشگاه را ترک کرد و با فقری جانکاه که قدرت خرید یک مجله علمی را نداشت، بکار ماورائی زمان خود پرداخت، امروز بزرگترین ثروت مند دنیا و دارای بزرگترین خیریه برای خلق سرمایه انسانی در تولید ثروت کشورها میباشد.

Edmond Dantès or the same “Le Comte de Monte-Cristo” the Effect of Alexandre Dumas, pare it goes beyond all rules of humanity and natural on the earth and It plays a role like destiny, ruthless and unwavering, and divine powers and this book is an eternal effect due to the abundance of its strange innovations and thanks of clearness and honesty of expression. The strangest stories of the facts of existence are narrated in this book with unlimited wealth and according to Hakim reached Allah reality is the same as reality, **the loose Product knowledge Unable to understand this miracle in the bed of physical sciences, the Creanovatology and innovations and amazing has not originated from the Sensory sciences at all**..... And see also to "Bill" Gates III William Henry story.

دنیای فعلی به این علم حضوری نیاز دارد و این علم تمدن آینده است و گرنه مدیریت اداره کشور داری را نمیدانند و ناشیانی سران حکومت ها و مدیران ناشی تر از آنها به مدیریت سازمان ها تصدی یافته اند، این علم با جان سروکار دارد نه با کالبد انسان، این آتش عشق باید به جانیت بیافتد و شمع دانش وجودت را فروزان کند، همان عشقی که در جان مجنون افتاد و در صحرای خشک نجد (Dry Najd Desert) لیلی را یافت، همان عشق خلاقیت که در جان نیوتن افتاد و نیوتن (Sir Isaac Newton) واله و سرگردان را در باغ مادریش در پای درخت سیبی نشست و در فکر فرو رفت، چگونه کرات به یکدیگر بر خورد نمیکند و چرا خورشید بسوی زمین فرو نمی آید که خدا به این یکتا پرست پاسخ داد و سیبی از درخت در

پیش پایش افتاد ، " ما جاذبه را آفریدیم " به این آیه از قرآن توجه کنید: آیه 2 سوره رعد "اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأُمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ" یعنی : خداست آن ذات پاکی که آسمانها را چنان که می‌نگرید بی‌ستون برافراشت آن‌گاه بر عرش (قدرت بر وجود کل) قرار گرفت و خورشید و ماه را مسخر اراده خود ساخت که هر کدام در وقت خاص به گردش آیند، امر عالم را منظم می‌سازد و آیات (قدرت) را با دلایلی مفصل بیان می‌دارد، باشد که شما به ملاقات پروردگار خود یقین کنید. (It is Allah who raised the heavens without any pillars that you see, and then presided over the Throne. He disposed the sun and the moon, each moving for a specified term. He directs the command, [and] elaborates the signs that you may be certain of encountering your Lord.) و این چنین طبیعت به فرمان خداوند متعال عمل می‌مند و مثل انسان نافرمان به خدای خود نیست.

The current world needs this present knowledge and this science is Civilization the future..... This science deals with the soul, not the human body, this fire of love must fall on your soul and Light the candle of knowledge of existence (It is Allah who raised the heavens without any pillars that you see, and then presided over the Throne. He disposed the sun and the moon, each moving for a specified term. He directs the command, [and] elaborates the signs that you may be certain of encountering your Lord.).

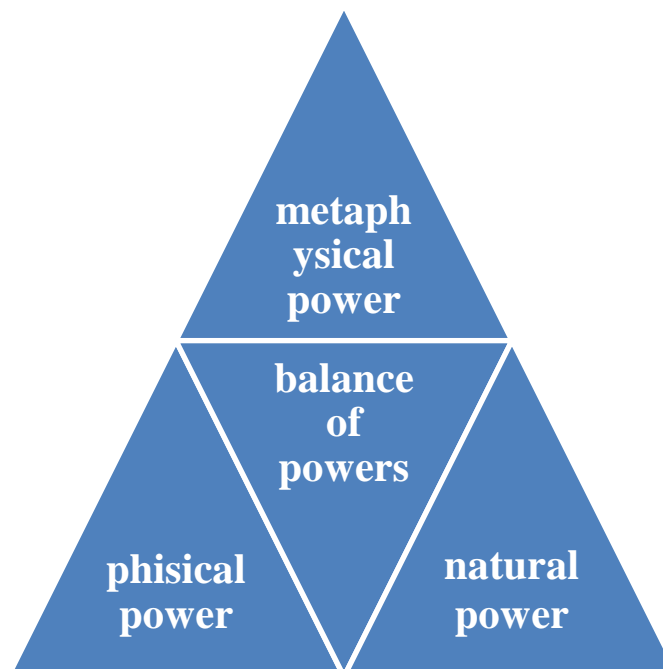
حکیم ما می‌گوید که رابطه فیزیک و متافیزیک نظیر تکلیف و حقوق ، رابطه دوطرفه نیست ، هیچ‌گاه فیزیک موجب تحریک متافیزیک استعلائی انسان نمی‌شود ولی متافیزیک فیزیک را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد ، فیزیک کاری به خیر و شرّ انسان ندارد بر حسب قانون فیزیکی خودش عمل میکند ، طبیعت هم این چنین است تابع قوانین خودش باز تاب دارد ، بین فیزیک و طبیعت رابطه متقابل است اگر گاز کربن ناشی از کارخانجات باعث آلودگی فضای طبیعی جهان شود ، لایه اوزون پاره میشود و باعث گرمایش زمین ، آتش گرفتن جنگل ها ، خشک سالی ، ذوب شدن کوه های یخی قطب های زمین ، سیل ، طوفان ، رانش زمین و از دست دادن سواحل دریا و اقیانوس و کشورها ی محصور شده در اقیانوس ها دچار سونامی های کشنده و تخریب کننده خواهند شد، این رابطه بین اقیانوس متافیزیکی انسان و قوانین فیزیکی نیست ، لذا با تدابیر فیزیکی و سخت افزار ها و نرم افزار های فیزیکی ، نمی‌توان انسان را تربیت کرده و اصول زندگی سعادت‌مند را بوی آموخت و یا راه حل سیاست گذاری را در امور حکمرانی ، تجارت و سایر امور از راه فیزیک تدبیر کرد ، اصول تدبیری از تدبیر ، نیات ، خواسته ها ، اعتقادات و عقل برهانی انسان ممکن میشود و **فیزیک در خدمت هم انسان خیرخواه ، هم شرور بوده و سخت افزار و نرم افزار از قوانین آن ساخته میشود.**

Our sage says that relation of physic and metaphysic like duty and rights; it is not a two-way relationship, physic doesn't causes irritation human transcendental

Metaphysic never, but metaphysic affects to itself instigation, physic doesn't work for the good and evil of human, it acts according to its own physical law, This is also the case with nature, which is reflected in its own laws, interrelation between physic and nature if the carbon dioxide from the factories causes pollution the natural space of the world, the ozone layer breaks down and pollution causes one quarter of the global warming that fires the forests ,drought, the icebergs start melting, water covers shores of countries , flood, storm and so on , it isn't relation between human's ocean metaphysic and physic at all..... **physic is at benevolents men service and also devils men and produce hardware and software from its laws.**

فیزیک استعلائی آن زمان بوجود میاید که که متافیزیک خیرخواهی با لحاظ ضرورت یا مفیدیت شناسی انسان حکیم ودانشمند ومعتقد به خدا مثل نیوتن یا انیشتن پشتیبانی کند وبرابر نیات دانشمند وحکیم از فیزیک وطبیعت استفاده شود ونه با نیات چپاول گری ودنیا پرستی وشهوت رانی ، تخریت زمین وطبیعت از این نافرمانی که هزاران بارمرگ بارتر از تخریب های طبیعی وفیزیکی است بنابراین انسان در یک مثلث " متافیزیکی ،فیزیکی ، طبیعی " که ناشی از قوانین تکوین است باید به تدبیر مدیریتی ورهبری پرداخته وبین این سه منبع عظیم خدادادی توازن برقرار کند(شکل 1) (توضیح اینکه روش شناسی کانت از طریق ترسیم های مثلث ها بوده است ، این روش شناسی در تمام انواع معرفت شناختی وارد شده است)

Figure 1



The transcendental physic transcendental that's when generate into existence that the metaphysics of benevolence in terms of necessity or the usefulness of a wise and learned man and believe in Allah supports like Newton and Einstein..... the Kantian methodology.....

اگر حکمرانی هر کشوری در دنیا نتواند بالانس فوق را در امور زیر انجام دهد دچار مشکلات عدیده خواهد شد:

1. بالانس بین بخش ها وقوای داخلی کشور (کشور ملی)
2. بالانس بین قدرت کشور با سایر کشورها در منطقه (کشور منطقه ای)
3. بالانس بین کشور منطقه ای با کشورهای جهانی (کشور جهانی)
4. ادامه نظام سیستماتیک توازن برای بارگذاری تدریجی و برنامه ریزی برای کشور آینده

If the government of any country in the world cannot perform the above balance in the following matters there will be many problems:

1. Balance between departments and internal forces of the country (national country)
2. Balance between forces of the country and other regional countries (regional country)
3. Balance between a regional country and global countries (global country)
4. Continuation of a systematic system of balance for Gradual loading and planning to go to future country.

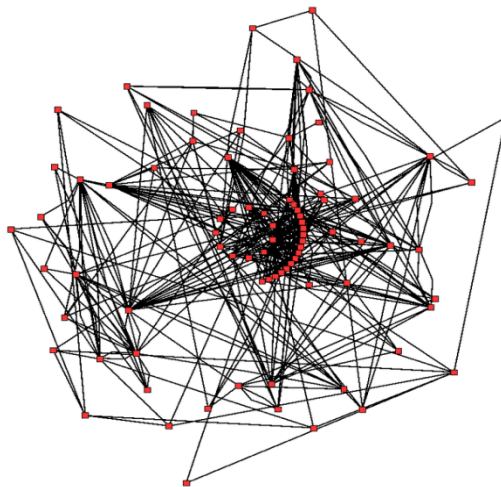
از این نظر باید بین دانشگاه و هم حوزه که بزرگترین وظیفه را در این مورد دارند، در تمام مولفه های کشور بالانس برقرار شود و بین این دو بخش نیز باید بالانس برقرار شود، در این روش شناختی و برای رسیدن به نرم افزارهایی که به فیزیک حیات می بخشد به سراغ متابولیسم متافیزیکی انسان برویم، متابولیسم متافیزیکی انسانی که سرمایه اصلی هر کشور و فرهنگ زنده و پویای آنرا در تولیدات فیزیکی تشکیل میدهد به روش " جنبش متابولیسم و زایش تکنوتوپیا؛ از اپیستمه تا تعرض یا چگونه تکنولوژی از خود عبور کرد در شهر تکنولوژی یوتوپیا" پرداختیم

متابولیسم در فارسی: **دیگرگشت یا سوخت و ساز** (مجموعه تغییرات ترکیبی و تخریبی در واکنش های شیمیایی است در سلول های موجودات زنده، آنزیمهایی که واکنشها را کاتالیز می کنند، به ارگانسیمها اجازه رشد و تولید مثل، حفظ ساختار، و پاسخ به محیط خود را می دهند. متابولیسم به تمام واکنش های شیمیایی که در ارگانسیم زنده اتفاق می افتد نیز اشاره دارد، از جمله گوارش و انتقال مواد به داخل و بین

سلول‌های مختلف، که در اینصورت مجموعه واکنش‌های درون سلول‌ها، متابولیسم واسطه یا متابولیسم متوسط (intermediary/intermediate metabolism) نامیده می‌شود. فیزیک مرده که از طریق نرم افزارهای هوشمند هم از میرائی خلاصی نمی یابد ، باید با سلول های زنده بکار افتد این کار برای اولین بار از طریق " (. "Physiology and genetics of sulfur-oxidizing bacteria".) friedrich C (1998). *Adv Microbe Physiol. Advances in Microbial Physiology. 39: 235–89. doi:10.1016/S0065-Adv Microbe Physiol. Advances in Microbial Physiology. 39: 235–89. doi:10.1016/S0065-235-89. PMID 9328649.* نوشته ی آرش بصیرت آمده است:

"غیریت"، "استقلال فرهنگی"، "منطقه شمولى" در برابر جهان شمولى، تدقیق منزلت "انسان" در مواجهه با هستی، "مرکز" و "محور"، این واژه ها و عبارات از چه زمانی و چراها وارد گفتمان رسمی معماری شدند؟ تاثیرشان بر سپهر عمومی معماری چه بود؟ آیا جریان های فکری برآمده از این گفتمان توانستند به حدوث جنبش های معماری در مقیاس محلی یا منطقه ای بیانجامند؟ آیا معماری به ذات این ظرفیت را داشت یا دارد تا در قامتی تمام و کمال کمر به تبلور عینی گفتمان برآمده از این مفاهیم بر بندد؟ برای پاسخ به پرسش های پیش آمده باید دو جریان در دو حوزه مختلف را پی گرفت، نقطه تلاقی ان ها را یافت و پی آیندهای این تلاقی را - با تمرکز بر جنبش متابولیسم که منظور نظر این نوشتار است - تدقیق نمود، یکی از این جریان ها تحولات فکری ایست که می توان تحت شمول نقد مدرنیته صورت بندی شان کرد و دیگری وضعیت خود معماری مدرن است، به یاد داشته باشیم که این ناهمگنی و ناهمخوانی هم زمان میان گرایش های فکری مابعد مدرن و معماری مدرن محصول پس ماندگی تاریخی معماری است نسبت به تحولات فکری. (شکل 2)، **حکیم در طرحی مشابه به طراحی شهر های فراکتالی روی آورده که از خلاقیت های عجیب حکایت دارد.**

Figure 2



مدیریت ورهبری از جنس متافیزیک است ، باید بدانیم که چرا زمین بطور اتوماتیک ظلم ستیزی میکند و ظالم را در معرض نابودی قرار میدهد ، متافیزیک به جسم بی جان تعلق ندارد از این رو با طبیعت حیامند

به جاودانگی خود در طبیعت ادامه داده و میل به تراز بین متافیزیک و فیزیک دارد و این اندیشه سترگ را به انسان میدهد که این ترازبندی به وضع قانون و دستو العمل‌های لازم مبادرت کند، ما ارزش علم را در ارزش معلومات آن میدانیم و در این مورد حفظ منافع عمومی یکی از شخصیت‌های بارز و نیک انسانی از درک مستقیم از ارزش گذاری معلومات است و طبیعت برخاسته از علوم بصورت تبلور معلولی و معلوماتی علمی است که ما بسیاری از آنها را نمی‌شناسیم .

The leadership and management are from kind of metaphysic.....and Nature arises from science in the form of causal crystallization and general information that we do not know many of them.

ورود به محضر عرفان شهود و یافتن نسخه های درمانی آن در طبیعت با علم حضوری است ، تمام مواد شفا دهنده انسان در طبیعت نهفته است ، چین درکشف این نهفتگی پیش تاز است در هزاران کتب و مقالات و تحقیقات طب گیاهی یک جهان جدید از مایه های حیات را مبینی که با متابولیسم جسم انسان و متافیزیک روان انسان ما را به مثلث " علم الیقین ، عین الیقین ، حق الیقین " هدایت میکند، با طبیعت که بمنزله اپرای باز جهانی است با همه سازها ، رقص گل ها ، چهچه بلبلان و..... شما سیر ملکوتی را حس میکنی ، مسیری است از لاهوت تا ناسوت ، با معرفت و جدانی ، بدون نیاز به برهان و تقلید ، باید راهی را پیدا کنیم تا از نهفتگی های بی شمار محیط خود آگاه شویم ، هم انسان شناخته شود و هم طبیعت و هم نحوه تراز بین انسان و طبیعت ، یک صدای آشنا ما را میخواند " حافظ منافع مردم و کشور باشید " و آن صدای وجدان است .

Entering the mysticism nature of intuition and finding of prescription's cures in nature are with presence knowledge, all human healing substances are found in nature..... We have to find a way to know from unlimited Incubations in our Environment, to be known as a human being and also nature and also balance between man and nature, a familiar voice reads us" Protect the interests of the people and the country "And that is the voice of conscience.

مطلب این قسمت ششم را با ارائه این کلیدهای جدید خاتمه داده و بقیه در فرضیه پسین است:

The subject of this sixth part ends by below new keys and the rest is in the latter hypothesis:

1. تراز فیزیک با متافیزیک
2. حداکثر مسئولیت های مدیر متافیزیکی است
3. اسرار فیزیک در متافیزیک نهفته است

4. ما باید از ظرفیت بی پایان نهفتگی (Incubating) از طریق خلاقیت های نوین بهره مند شویم
5. دکترین متافیزیکی ما چیست؟
6. استراتژی متافیزیکی ما چیست؟
7. متابولیسم متافیزیک چیست؟
8. مکانیسم متافیزیک چیست؟
9. دینامیسم متافیزیک چیست؟
10. چگونه بین مولفه های فوق تراز بندی کنیم؟
11. ترفیع از جانب خدا ممکن است
12. رفعت بر اساس صدر نشینی و صدارت نیست در اجرای نیت پاک و عدالت گستری است
13. اکوسیستم خای متافیزیکی انسان کجاست؟
14. هوش بریر بالاتر از هوش هیجانی است و چگالی هوش متافیزیکی قابل قیاس با هوش حسی نیست
15. عظمت فیزیک در گرو عظمت متافیزیک است
16. تمام راه حل های فیزیکی در سطحی بالاتر در متافیزیک وجود دارد
17. استاندارد معنوی در غرب شروع شده ، عقب نمانید
18. پروژہ های یقینی مورد تحقیق غرب قرار گرفته است
19. سلاطین معرفت چه کسانی هستند؟
20. در تمدن آینده متافیزیک حکم فرما است
21. ما به هرمنوتیک متافیزیکی از هم اکنون نیاز داریم
22. ایجاد کمپینگ متافیزیکی ضروری است

شعر: خیره بشو به آسمان پرستاره

در طلب شاه جهان، خیره شوند خردوران	بال زنند به آسمان ، سیر کنند ستارگان
مینوی پر ستاره را ، طلب کند اهل خرد	ضایع شدند روی زمین، آجر برند ز آسمان
ما همه روی زمین، مشغول کارگل شدیم	مینوی جان طلب بکن، رخصت بگیر ز ساریبان
مرخصت کند خدا، از این مکان ناروا	مینوی جان شود جلا، رویت دهند به کاروان
ناب بشو، ناب بشو، از خرد سیراب بشو	شهبانوی خرد رقصکنان، حلقه زنند فرشتگان
کرانه در کرانه است، کرانه یک فسانه است	خرد بی کرانه است ، در ترا اختر جهان
در وجود خود نگر، از شرط وجود خود گذر	پرده بدر، بکن گذر، تا شوی تو جاودان
مینوی دلخواه مشو، شرطی هر ماه مشو	خیره به آسمان بشو، سوی مینوان بشو روان

محمود بشو خرد پذیر، بیش مشو شرط پذیر دور بکن بهانه ها ، ترا صدا زنند ز آسمان

برداشتی از سنجش خرد ناب کانت (1389/8/20)، شعر از محمود صانعی پور

Good luck موفق باشید